

Nahj al-Balaghah and the Underlying Communication Action in Political Participation

Received: 2022/10/11

Accepted: 2022/12/07

Habibollah Halimi Jلودار***sayed ebrahim hosayni bijikolaie******Fatemeh Hedayati Azizi*****

(12-41)

The purpose of this research is to explain and describe the role and position of dialogue and communicative action that is the foundation in political participation. Since Nahj al-Balagha in Islamic societies is often considered as a source and reference for the side actions and behaviors of people and officials, for this purpose, in this article, communication actions are the basis of political participation in the themes of Nahj al-Balagha. were studied. Therefore, the main problem of the research is the analysis of the role of Nahj-ul-Balagha in the communication action that is the basis of political participation. To answer this question, the method of qualitative content analysis was used. Considering that communicative action can play an important role in creating a correct view of interaction and participation in societies, the authors' hypothesis is that Nahj al-Balagha has a constructive communicative action in political participation due to the comprehensiveness of its content. Finally, the results of the investigations show that Nahj al-Balagha refers to the acceptance of two parties or several parties; The principle of knowledge and science, the need to accept the differences of peoples, nations and languages, the possibility of achieving understanding and unity and freedom of thought and thought, observing the criteria of right and wrong, choosing the right path as the conditions of favorable dialogue, and also considering trust-building and competence of speech as the most important Communication elements and factors provide a very suitable capacity for the realization of desired political participation.

Keywords: state building, democratization, fragile state, Conflict of interest, political legitimacy

* Associate Professor, Qur'an and Hadith Department, School of Theology and Islamic Studies, Mazandaran University, Babolsar, Iran (corresponding author), jلودار@umz.ac.ir.

** Graduated as a Master of Social Research, Mazandaran University, Babolsar, Iran, sami19840@yahoo.com.

***. Fourth-level student of comparative interpretation, Hazrat Khadija Specialized Center, Babol, Iran, fadak1835@yahoo.com.ran, sami19840@yahoo.com.



نهج البلاغه و کنش ارتباطی زمینه‌ساز در مشارکت سیاسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

حبیب الله حلیمی جلودار*، سیدابراهیم حسینی بیجی‌کلایی**

فاطمه هدایتی عزیزی***

(۱۲-۴۱)

چکیده

هدف این پژوهش تبیین نقش و جایگاه گفتگو و کنش ارتباطی زمینه‌ساز در مشارکت سیاسی است. از آنجایی که نهج البلاغه در جوامع اسلامی غالباً به‌عنوان یک منبع برای کنش‌ها و رفتارهای طرفینی مردم و مسؤولین به‌شمار می‌رود به همین منظور در این مقاله کنش‌های ارتباطی زمینه‌ساز مشارکت سیاسی در مضامین نهج البلاغه مطالعه شدند. از این‌رو مسئله اصلی تحقیق واکاوی نقش نهج البلاغه در کنش ارتباطی زمینه‌ساز مشارکت سیاسی می‌باشد. برای پاسخ به این سؤال از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. با توجه به اینکه کنش ارتباطی می‌تواند در ایجاد یک منظر صحیح پیرامون تعامل و مشارکت در جوامع نقش مهمی را ایفا نماید، فرضیه نگارندگان این است که نهج البلاغه با توجه به جامعیت محتوایی که دارد در مشارکت سیاسی، کنش ارتباطی سازنده‌ای دارد. در نهایت نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد نهج البلاغه با اشاره به پذیرش دو طرف یا چند طرف؛ اصل آگاهی و علم، لزوم پذیرش اختلاف اقوام و ملل و زبان‌ها، امکان حصول تفاهم و وحدت و آزادی فکر و اندیشه، رعایت معیار حق و باطل، انتخاب راه به‌عنوان شرایط گفت‌وگوی مطلوب و نیز در نظر گرفتن اعتمادآفرینی و شایستگی سخن به‌عنوان مهم‌ترین عناصر و عوامل برقراری ارتباط، ظرفیت بسیار مناسبی را برای تحقق مشارکت سیاسی مطلوب فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، گفتگو، کنش ارتباطی، مشارکت سیاسی، ارتباط گفتاری.

*. دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده

مسئول)، j.loudar@umz.ac.ir.

** دانش آموخته کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، sami19840@yahoo.com.

*** طلبه سطح چهار تفسیر تطبیقی، مرکز تخصصی حضرت خدیجه علیها السلام، بابل، ایران، fadak1835@yahoo.com.

۱. بیان مسئله

آیین خاتم صلی الله علیه و آله برای زندگی فردی و اجتماعی انسان اموری مثل نماز،^۱ روزه،^۲ نظارت عمومی،^۳ حج^۴ و... را واجب کرده است تا بشریت بتواند به زندگی خویش به درستی سروسامان دهد؛ یکی از مواردی که آیین مقدس، بدان تأکید داشته اما مسلمین در حد اهمیت دیگر واجبات الهی به آن توجه ندارند حکومت و حاکمیت اسلامی است، موضوع مذکور امری سیاسی است که برای تکوین و تشکیل خود به مشارکت سیاسی محتاج است. بدین خاطر موضوع مشارکت سیاسی در حاکمیت اجتماعی معنا پیدا می‌کند.

مشارکت سیاسی علاوه بر اینکه به عنوان یکی از اصلی‌ترین سازوکارها در هر واحد سیاسی است نشانگر رشد سیاسی در هر نظام سیاسی است. چنین مفهومی به دلیل آنکه ناظر بر جنبه‌های انتزاعی است، از طریق مؤلفه‌های مشخصی مورد واکاوی و تبیین قرار می‌گیرد. یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها در این راستا، گفتگو و مفهوم کنش ارتباطی است. بنابراین بررسی گفتگو و کنش ارتباطی در یک جامعه می‌تواند در ایجاد یک منظر صحیح پیرامون مشارکت سیاسی در جوامع نقش مهمی را ایفا نماید.

در جوامع گوناگون، مراجع و منابعی وجود دارند که کنش‌های سیاسی و اجتماعی افراد و مسئولان را شکل می‌دهند. در ایران نیز با توجه به ماهیت نظام جمهوری اسلامی و نیز مسلمان بودن اکثریت جمعیت، نهج البلاغه با توجه به نامه‌ها و خطبه‌هایی که حضرت امیر علیه السلام به حکمرانان ارسال نموده‌اند، منبع و مرجعی است که در خلال بندهای قانون اساسی نیز بر اصول آن استناد شده و به نوعی از مؤثرترین منابع برای سنجش قوانین و بروز رفتارها و کنش‌های سیاسی به شمار می‌رود.

سؤال اصلی مقاله حاضر تبیین نقش پیام‌های نهج البلاغه در چگونگی کنش ارتباطی زمینه‌ساز در مشارکت سیاسی است و فرضیه تحقیق این است که نهج البلاغه با توجه به

۱. بقره/۴۳.

۲. بقره/۱۸۳.

۳. آل عمران/۱۰۴.

۴. مائده/۶۷.

جامعیت محتوایی که دارد در مشارکت سیاسی، کنش ارتباطی سازنده‌ای دارد. پیشینه پژوهش نشان می‌دهد آثاری درباره موضوع کنش ارتباطی به نگارش در آمده است: مقاله «کنش ارتباطی زمینه‌ساز تحقق مشارکت شهروندان در فرایند توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر گرگان)» این پژوهش به صورت میدانی و موردی تحقیق کرده و فقط به مشارکت مردمی پرداخته است (ر.ک: ایستگلدی و دیگران، ۱۳۹۴).

مقاله «جایگاه مشارکت سیاسی اجتماعی مردم از منظر دینی»، با محوریت کلام اسلامی به جایگاه مشارکت پرداخته است. در حالی که، مقاله حاضر امری فراتر از مباحث مطرح شده در این مقالات را مورد رصد و کنکاش قرار داده و پیش شرطها، عوامل و زمینه‌ها را در کنش ارتباطی و آن هم از منظر نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده است (ر.ک: ملکی، ۱۳۹۶).

آنچه ضرورت و اهمیت این نوشتار را برجسته می‌نماید این است که در برخی از تفکرات مغرضانه درباره اسلام و یا برداشت‌های اشتباه از اندیشه‌های اسلامی، گزینه‌های منفی را به اسلام نسبت داده‌اند. مانند عدم مشارکت سیاسی و عدم توجه به کنش ارتباطی و یا مسکوت ماندن دین اسلام، در این موارد که به دلیل نو و جدید بودن این مفاهیم، این‌گونه برداشت یا تبلیغ شده است که اندیشه‌های اسلامی در این خصوص حرفی برای گفتن ندارد. اما با تبیین مفهوم کنش ارتباطی و مشارکت سیاسی و موارد مربوط به آن از منظر نهج البلاغه نتیجه‌ای خلاف آنچه در تصورات وجود دارد، روشن می‌شود.

۲. مفاهیم و ادبیات تحقیق

۲-۱. کنش ارتباطی

هابرماس^۱ با نگاه به اینکه خرد ارتباطی مبنای کنش ارتباطی است معتقد است که به واسطه حصول تفاهم در زبان، مفهوم خرد ارتباطی، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. مفهوم حصول تفاهم، بیانگر یک توافق مبتنی بر انگیزه عقلانی در میان مشارکت‌کنندگان است که با دعاوی، اعتبار نقدپذیر سنجش می‌شود (هابرماس، ۱۳۸۴: ۱۴۳). بنابراین در قالب مفهوم کنش ارتباطی، مشارکت سیاسی مطلوب، ناظر بر آن‌گونه از مشارکت است که

1. Habermas

توسط افرادی شکل بگیرد که از خرد ارتباطی بهره می‌برند و در میان خود تفاهم را رقم زده‌اند. در همین زمینه باید به این نکته توجه داشت که بنابر نظر هابرماس، نوعی از ارتباط که تحریف نشده باشد و به طور آزادانه و غیراجباری شکل گرفته باشد، مبنایی مستقن برای تحلیل مسائل فراهم می‌آورد و از منظر وی فعالیت‌های سیاسی در جوامع باید به سمتی سوق پیدا کنند که موانع موجود بر سر راه ارتباط آزادانه در راستای دستیابی به اهداف سیاسی رفع شوند.

انسان‌ها در حیظه عمومی (عرصه اجتماعی) به وسیله مفاهیم و استدلال و در فضایی بدون فشار و اجبار درونی (خودخواسته) یا بیرونی (قهری) و بر اساس آزادی و آگاهی تعامل به واسطه شرایط مساوی برای تمامی افراد شرکت‌کننده در حوزه ذکر شده، مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را تولید می‌کنند که نهایتاً به صورت وسایل مؤثر، برای تأثیر گذاردن بر رفتار و عملکرد، به‌ویژه در عقلانی ساختن قدرت، کارایی دارد. در کل، کنش ارتباطی به ساختاری ارتباطی گفته می‌شود که عموم افراد، افکار خود را آزادانه ارائه نمایند و بتواند در برابر انتقادهای صورت گرفته دفاع منطقی داشته باشند. از این رو با توجه به همین نوع ارتباط، توافقی غیر تحمیلی وسعت می‌یابد که این همان کنش ارتباطی است (مهدوی، مبارکی، ۱۳۸۹: ۴).

مفهوم کامل‌کننده‌ای که در این زمینه مطرح می‌شود و نیازمند دقت مفهومی است، عرصه عمومی^۱ است. در این راستا می‌توان به نظرات هابرماس دقت داشت. ایشان حیظه عمومی را فضای اجتماعی بی‌طرفانه می‌پندارد که در آن مناظرات انتقادی و گفتگوی قابل قبول بین اشخاصی شکل می‌گیرد که برای به دست آوردن یک توافق حاصل از کنش ارتباطی، مجتمع شده‌اند و در عین حال موضوعات و گفتگوهای آن‌ها، ناظر بر دلواپسی‌های مشترکشان است که در این عرصه امکان بروز آن فراهم است. به همین منظور باید دانست که فضای حاکم بر این گفتگوها باید عقلانی، آزادانه و تا حد امکان بی‌طرفانه و بدون توجه به منافع شخصی باشد. به واقع ذیل عرصه عمومی، مناظرات عقلانی و گفتگوهای مطلوب،

مبتنی بر کنش ارتباطی به عنوان عاملی اساسی در بسط و تعمیق مشارکت عمومی و مردم سالاری شکل می گیرند (Grbesa, 2004: 110).

نهادهای غیردولتی که خارج از وظایف خود، فعالیت دارند از مصادیق چنین عرصه‌ای هستند که در پی ایجاد گفتگوهای مطلوب و عقلانی، زیرساخت‌های پاسخ‌گویی در مورد برنامه‌ها و سیاست‌های عمومی را توسعه می‌دهند؛ چنین کارکردی است که نمایندگی مؤثر را از سوی نمایندگان در یک شرایط مردم سالارانه ممکن و محقق می‌سازد (Foo, 2018: 71). همچنین موضع هابرماس شکل یافته از نگاه آرمانی او درباره ارتباطات عمومی است. بر اساس دیدگاه ایشان اگر ارتباطات ایده آل عمومی که گفتگوی مطلوب نیز یکی از مصادیق اصلی آن است، به طور مستقل و بدون محدودیت و تحت نظارت نهادی باشند، توانایی به وجود آوردن اجماعی حیاتی و انتقادی که لازمه یک نظام مردم سالار است را برای ابراز مشارکت عمومی در روندهای سیاسی دارند. در همین مسیر از نظر وی توانایی رسانه‌ها برای ایجاد پایگاه‌هایی جهت مشارکت عمومی، پاسخگویی تخصصی، ادغام آگاهی و دانش تخصصی و غیرتخصصی و شرایط لازم جهت تحقق ارتباطات ایده آل، مقوله بسیار مهمی قلمداد شده است (Livingstone & Lunt, 1994: 10).

۲-۲. مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت آمیز بین بخش‌های گوناگون گروه‌های سیاسی برای به کسب قدرت و مدیریت جامعه و تعریف مصالح عمومی است. در واقع همین مفهوم است که: «فرصت عمل لازم را برای فرد و گروه‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. از آزادی‌های مهم آن، باید از آزادی بیان عقاید، تشکیل انجمن‌ها و اجتماعات، آزادی انتخاب میان ایدئولوژی‌ها و سازمان‌های سیاسی گوناگون، امکان برخورداری از منابع گوناگون اطلاعات و امکان رقابت گروه‌ها برای تبلیغ عقاید خود و جلب پشتیبانی عامه مردم نام برد. رقابت و مخالفت سیاسی مسالمت آمیز و مشارکت عامه در زندگی سیاسی بی‌شک و منطقاً نیازمند چنین آزادی‌هایی است» (بشیریه، ۱۳۹۴: ۵۸۱-۵۸۲).

نتیجه مباحث گفته شده کارکردهای مهم چهارگانه در یک نظام سیاسی است که زمینه را

نهج البلاغه و کنش ارتباطی زمینه‌ساز ... - حبیب‌الله حلیمی جلودار (۱۲-۴۱) / ۱۷

برای اصلاح اسلوب‌های نامطلوب موجود مهیا نموده و هم‌زمان موجب تقویت اسلوب‌های صحیح نیز می‌شود. این کارکردهای چهارگانه شامل: ثبات‌بخشی به نظام سیاسی، کارآمدی نظام سیاسی، مقبولیت نظام سیاسی و اصلاح حاکمان از طریق تذکر معایب و جلوگیری از استبداد آنان است (فولادی، ۱۳۹۴: ۱۲۶-۱۲۴).

اما چنین برداشتی خطراتی نیز به همراه دارد. در واقع اگر برخی از شرایط در جامعه محقق نشود، مشارکت سیاسی به یک امر فرمایشی و بدون خاصیت و شبیه به کارکردهایی که در بالا ذکر شد، تبدیل می‌شود. یکی از این شروط که به‌نوعی متضمن تحقق اهداف مشارکت سیاسی است و در عین حال مؤلفه‌ای در چارچوب آن است تا بتوان از طریق آن، مشارکت سیاسی را مورد واکاوی و تبیین قرار داد، کنش ارتباطی است.

تبیین مشارکت در نهج البلاغه مستلزم تحلیل عناصر و مؤلفه‌های مفهومی مشارکت با مراجعه به قرآن و نهج البلاغه است. از آنجاکه مشارکت در زمینه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باعث پیشرفت و توسعه دینی می‌شود، ضرورت دارد با مراجعه به نهج البلاغه شاخص‌هایی را به دست آورد تا در کاربست الگویی، مشارکت اجتماعی به‌مثابه سرمایه اجتماعی مفید باشد (علیپوریانی و زارع، ۱۳۹۹: ۱۹۹).

۲-۳. چارچوب نظری تحقیق:

از آنجاکه نهج البلاغه کتابی است که از جامعیت برخوردار می‌باشد می‌تواند تمام ابعاد زندگی انسان را از جمله در بُعد کنش ارتباطی زمینه‌ساز در مشارکت سیاسی پوشش دهد.

در نهج البلاغه موارد بسیاری وجود دارد که در آن به ضرورت زندگی اجتماعی و

اجتماعی بودن انسان سفارش شده است و انسان‌ها را به تعاون و همکاری فرامی‌خواند:

«وَالزُّمُو بِالسَّوَادِ الْأَعْظَمِ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفِرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ

لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷، ص ۱۲۵)؛ همواره با

جمعیت و اجتماع باشید که دست خدا همراه آن است، از جدایی و پراکندگی

پرهیزید که انسان تنها، اسیر شیطان است؛ همان‌گونه که گوسفند دور از گله اسیر

گردد است.»

در نهج البلاغه، کنش‌های ارتباطی بسیاری در فرایند مشارکت سیاسی مردم وجود دارد،

زیرا از نگاه امام علیه السلام میان مردم و حاکمیت سیاسی، وظایف طرفینی برای کنش‌های ارتباطی زمینه‌ساز، تعریف شده است. در نگاه نهج‌البلاغه، حاکمان موظفند برای ثبات و استقلال حاکمیت سیاسی، تلاش نمایند بدین خاطر باید نسبت به مردم مهربان باشند، با عدالت رفتار کنند، امانت‌دار باشند و با آنان در مسائل مهم سیاسی مشورت نمایند. از طرف دیگر مردم نیز موظفند با رهبری و حاکمیت سیاسی بیعت نمایند و از او اطاعت و حمایت نمایند و به عهد و پیمان وفادار باشند و وحدت و یکپارچگی را حفظ کنند (ر.ک: نهج‌البلاغه، نامه‌های ۴۶ و ۵۳ و خطبه‌های ۴، ۳۵، ۱۲۶، ۲۱۶ و...).

این پیام‌ها و محتوای نهج‌البلاغه مبنایی خواهد بود که چارچوب نظری پژوهش حاضر، بر آن بنا شده است.

۳. مشارکت از نگاه نهج‌البلاغه

با توجه به نکات گفته شده، نویسندگان به دنبال واکاوی چنین مفاهیمی به طور خاص و همچنین تبیین و واکاوی مشارکت سیاسی به طور عام است. در این راستا و با توجه به اینکه گفتگو یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌هایی است که به‌عنوان مصداقی برای کنش ارتباطی می‌توان در نظر گرفت، به واکاوی شرایط گفتگوی مؤثر و مطلوب از منظر نهج‌البلاغه پرداخته می‌شود که در این فرایند به تحلیل و بررسی دو موضوع مهم «زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های گفتگو» و «عوامل برقراری ارتباط گفتاری مؤثر جهت ایجاد کنش ارتباطی» دست یافتیم:

منظور از زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های گفتگو، اموری است که فراهم آوردن و مراعات آن‌ها در تمام مراحل گفتگو لازم و ضروری است و برخی عبارت‌اند:

۱-۳- زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های گفت‌وگو از نگاه نهج‌البلاغه

جدول ۱: زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های گفت‌وگو از نگاه نهج‌البلاغه

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|--|-------|
| ۳/۶ | ۲۶ | پذیرش دو طرف یا چند طرف | مقدار |
| ۳۷/۵ | ۲۷۱ | اصل آگاهی و علم | |
| ۸/۶ | ۶۲ | لزوم پذیرش اختلاف اقوام، ملل و زبان‌ها | |

نهج البلاغه و کنش ارتباطی زمینه‌ساز ... - حبیب‌الله حلیمی جلودار (۴۱-۱۲) / ۱۹

| | | |
|------|-----|---------------------------------|
| ۲۸/۴ | ۲۰۵ | امکان حصول تفاهم و وحدت |
| ۲۲ | ۱۵۹ | آزادی فکر و اندیشه و انتخاب راه |
| ۱۰۰ | ۷۲۳ | جمع |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، بیشترین شاخص‌ها برای زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های گفت‌وگواز نگاه نهج البلاغه؛ اصل آگاهی و علم و امکان حصول تفاهم و وحدت به ترتیب ۲۷۱ بار و ۲۰۵ بار می‌باشد.

۳-۱-۱. پذیرش دو طرف یا چند طرف

جدول ۲: پذیرش دو طرف یا چند طرف

| | | | |
|------|---------|--------------------|-------|
| درصد | فراوانی | | |
| ۴۲ | ۱۱ | گفتگو | مقدار |
| ۵۸ | ۱۵ | صلح، سازش و مناظره | |
| ۱۰۰ | ۲۶ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول و نمودار بالا، شاخص‌های پذیرش دو طرف یا چند طرف؛ گفتگو و صلح، سازش و مناظره به ترتیب ۴۲٪ و ۵۸٪ است.

۳-۱-۲. اصل آگاهی و علم

جدول ۳: اصل آگاهی و علم

| | | | |
|------|---------|-------------------|-------|
| درصد | فراوانی | | |
| ۴۱ | ۱۱۱ | آگاهی، علم و دانش | مقدار |
| ۱۷ | ۴۷ | دانا و دانشمند | |
| ۳/۳ | ۹ | تعلیم | |
| ۳۸/۴ | ۱۰۴ | جاهل و نادان | |
| ۱۰۰ | ۲۷۱ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های اصل آگاهی و علم؛ آگاهی، علم و دانش، دانا و دانشمند، تعلیم و جاهل و نادان به ترتیب ۴۲٪، ۱۷٪، ۳٪ و ۳۸٪ است.

۳-۱-۳. لزوم پذیرش اختلاف اقوام، ملل و زبان‌ها

جدول ۴: لزوم پذیرش اختلاف اقوام، ملل و زبان‌ها

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|-------------------|-------|
| ۵۹٫۷ | ۳۷ | اختلاف | مقدار |
| ۱۴٫۵ | ۹ | اتحاد و پذیرش | |
| ۲۵٫۸ | ۱۶ | تفاوت، تمایز و... | |
| ۱۰۰ | ۶۲ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های لزوم پذیرش اختلاف اقوام، ملل و زبان‌ها؛ اختلاف، اتحاد و پذیرش و تفاوت، تمایز و... به ترتیب ۶۰٪، ۱۵٪ و ۲۶٪ است.

۳-۱-۴. امکان حصول تفاهم و وحدت

جدول ۵: امکان حصول تفاهم و وحدت

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|------------------------|-------|
| ۲٫۴ | ۵ | وحدت و همکاری | مقدار |
| ۲۰٫۵ | ۴۲ | متفرق و پراکنده | |
| ۲٫۴ | ۵ | متفاوت و روش‌های مختلف | |
| ۷۴٫۶ | ۱۵۳ | جنگ | |
| ۱۰۰ | ۲۰۵ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های امکان حصول تفاهم و وحدت؛ وحدت و همکاری، متفرق و پراکنده، متفاوت و روش‌های مختلف و جنگ به ترتیب ۲٪، ۲۱٪، ۷۵٪ و ۲٪ است.

۳-۱-۵. آزادی فکر و اندیشه و انتخاب راه

جدول ۶: آزادی فکر و اندیشه و انتخاب راه

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|---------------|-------|
| ۲۲ | ۳۵ | فکر و اندیشه | مقدار |
| ۱۷٫۶ | ۲۸ | انتخاب | |
| ۳٫۱ | ۵ | افکار و عقاید | |

نهج البلاغه و کنش ارتباطی زمینه‌ساز ... - حبیب‌الله حلیمی جلودار (۴۱-۱۲) / ۲۱

| | | | |
|------|-----|-------------------|--|
| ۸٫۲ | ۱۳ | حیله | |
| ۵٫۷ | ۹ | آگاهی و اطلاع | |
| ۳۲٫۱ | ۵۱ | رهایی و آزادی | |
| ۱۱٫۳ | ۱۸ | زور، فشار و اجبار | |
| ۱۰۰ | ۱۵۹ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های آزادی فکر و اندیشه و انتخاب راه؛ فکر و اندیشه، انتخاب، افکار و عقاید، حیله، آگاهی و اطلاع، رهایی و آزادی و زور، فشار و اجبار به ترتیب ۲۲٪، ۱۸٪، ۳٪، ۸٪، ۶٪، ۳۲٪ و ۱۱٪ است.

۲-۳. عوامل برقراری ارتباط گفتاری مؤثر جهت ایجاد کنش ارتباطی

جدول ۷: عوامل برقراری ارتباط گفتاری مؤثر جهت ایجاد کنش ارتباطی

| | | | |
|------|---------|---------------------|-------|
| درصد | فراوانی | | مقدار |
| ۳۸٫۴ | ۸۱ | ادب و احترام متقابل | |
| ۳۷ | ۷۸ | مثبت‌نگری | |
| ۲۴٫۶ | ۵۲ | اعتمادآفرینی | |
| ۱۰۰ | ۲۱۱ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌ها برای برقراری ارتباط گفتاری مؤثر جهت ایجاد کنش ارتباطی از نگاه نهج البلاغه؛ ادب و احترام متقابل، مثبت‌نگری و اعتمادآفرینی به ترتیب ۸۱ بار، ۷۸ بار و ۵۲ بار می‌باشد.

۳-۲-۱. ادب و احترام متقابل

جدول ۸: ادب و احترام متقابل

| | | | |
|------|---------|---------------|-------|
| درصد | فراوانی | | مقدار |
| ۲۴٫۷ | ۲۰ | ادب | |
| ۲۴٫۷ | ۲۰ | احترام و حرمت | |
| ۵۰٫۶ | ۴۱ | عیب | |
| ۱۰۰ | ۸۱ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص های ادب و احترام متقابل؛ ادب، احترام و حرمت و عیب به ترتیب ۲۵٪، ۲۵٪ و ۵۱٪ است.

۲-۲-۳. مثبت نگری

جدول ۹: مثبت نگری

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|-------|-------|
| ۶۰٫۳ | ۴۷ | خوب | مقدار |
| ۱۰٫۳ | ۸ | تفسیر | |
| ۲۹٫۵ | ۲۳ | زیبا | |
| ۱۰۰ | ۷۸ | جمع | |

(منبع: یافته های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص های مثبت نگری؛ خوب، تفسیر و زیبا به ترتیب ۶۰٪، ۱۰٪ و ۳۰٪ است.

۳-۲-۳. اعتماد آفرینی

جدول ۱۰: اعتماد آفرینی

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|------------------------|-------|
| ۵۹٫۶ | ۳۱ | توکل، اعتماد و اطمینان | مقدار |
| ۴۰٫۴ | ۲۱ | تکیه | |
| ۱۰۰ | ۵۲ | جمع | |

(منبع: یافته های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص های اعتماد آفرینی؛ توکل، اعتماد و اطمینان و تکیه به ترتیب ۶۱٪ و ۴۰٪ است.

۳-۳. اعتماد آفرینی

جدول ۱۱: اعتماد آفرینی

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|-------------------|-------|
| ۱۲٫۸ | ۱۲۴ | راستگویی | مقدار |
| ۲۰٫۴ | ۱۹۸ | پرهیز از خودمحوری | |
| ۵٫۳ | ۵۱ | همنوایی (همزبانی) | |

نهج البلاغه و کنش ارتباطی زمینه‌ساز ... - حبیب‌الله حلیمی جلودار (۴۱-۱۲) / ۲۳

| | | |
|------|-----|---|
| ۲۰/۷ | ۲۰۱ | اولویت‌شناسی |
| ۱۰/۳ | ۱۰۰ | توجه به سطح فهم و نیاز مخاطب (در سطح دیگران ظاهر شدن) |
| ۷/۵ | ۷۳ | هنر خوب گوش دادن |
| ۴/۱ | ۴۰ | بهره‌گیری از زبان بدن |
| ۱۸/۹ | ۱۸۴ | شایستگی سخن |
| ۱۰۰ | ۹۷۱ | جمع |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، بیشترین شاخص‌ها برای اعتمادآفرینی از نگاه نهج البلاغه؛ اولویت‌شناسی، پرهیز از خودمحوری و شایستگی سخن به ترتیب ۲۰۱ بار، ۱۹۸ بار و ۱۸۴ بار می‌باشد.

۳-۳-۱. راستگویی

جدول ۱۲: راستگویی

| | | | |
|------|---------|----------------|-------|
| درصد | فراوانی | | |
| ۵۴ | ۶۷ | صداقت و راستی | مقدار |
| ۴۶ | ۵۷ | دروغگویی و کذب | |
| ۱۰۰ | ۱۲۴ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های راستگویی؛ صداقت و راستی و دروغگویی و کذب به ترتیب ۵۴% و ۴۶% است.

۳-۳-۲. پرهیز از خودمحوری

جدول ۱۳: پرهیز از خودمحوری

| | | | |
|------|---------|-------------------|-------|
| درصد | فراوانی | | |
| ۱۰/۱ | ۲۰ | غرور و خودرایی | مقدار |
| ۲۰/۷ | ۴۱ | توجه | |
| ۵۱ | ۱۰۱ | مشورت و نظر گرفتن | |
| ۱۸/۲ | ۳۶ | درخواست | |
| ۱۰۰ | ۱۹۸ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های پرهیز از خودمحوری؛ غرور و خودرایی، توجه، مشورت و نظر گرفتن و درخواست به ترتیب ۱۰٪، ۲۱٪، ۵۰٪ و ۱۸٪ است.

۳-۳-۳. همنوایی (همزبانی)

جدول ۱۴: همنوایی (همزبانی)

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|---------------------|-------|
| ۳۵/۳ | ۱۸ | پیروی و هماهنگ بودن | مقدار |
| ۳۳ | ۱۶ | تابع | |
| ۳۱/۳ | ۱۷ | همزبانی | |
| ۱۰۰ | ۵۱ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های همنوایی (همزبانی)؛ پیروی و هماهنگ بودن، تابع و همزبانی به ترتیب ۳۵٪، ۳۳٪ و ۳۱٪ است.

۳-۳-۴. اولویت‌شناسی

جدول ۱۵: اولویت‌شناسی

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|------------|-------|
| ۲۷/۹ | ۵۶ | زمان شناسی | مقدار |
| ۲۳/۴ | ۴۷ | زمان مناسب | |
| ۴۸/۸ | ۹۸ | زمان | |
| ۱۰۰ | ۲۰۱ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های اولویت‌شناسی، زمان شناسی، زمان مناسب و زمان به ترتیب ۲۸٪، ۲۳٪ و ۴۹٪ است.

۳-۳-۵. توجه به سطح فهم و نیاز مخاطب (در سطح دیگران ظاهر شدن)

جدول ۱۶: توجه به سطح فهم و نیاز مخاطب (در سطح دیگران ظاهر شدن)

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|--------------|-------|
| ۲۸ | ۲۸ | فهم | مقدار |
| ۵۵ | ۵۵ | نیاز و علایق | |
| ۱۷ | ۱۷ | درک | |
| ۱۰۰ | ۱۰۰ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نهج البلاغه و کنش ارتباطی زمینه‌ساز ... - حبیب‌الله حلیمی جلودار (۴۱-۱۲) / ۲۵

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های توجه به سطح فهم و نیاز مخاطب (در سطح دیگران ظاهر شدن)؛ فهم، نیاز و علایق و درک به ترتیب ۲۸٪، ۵۵٪ و ۱۷٪ است.

۳-۳-۶. هنر خوب گوش دادن

جدول ۱۷: هنر خوب گوش دادن

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|------------------|-------|
| ۳۱/۵ | ۲۳ | شنیدن و گوش دادن | مقدار |
| ۱۲/۳ | ۹ | مقصود نظر | |
| ۵۶/۲ | ۴۱ | توجه | |
| ۱۰۰ | ۷۳ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های هنر خوب گوش دادن؛ شنیدن، مقصود نظر و توجه به ترتیب ۳۲٪، ۱۲٪ و ۵۶٪ است.

۳-۳-۷. بهره‌گیری از زبان بدن

جدول ۱۸: بهره‌گیری از زبان بدن

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|----------|-------|
| ۵۷/۵ | ۲۳ | زبان بدن | مقدار |
| ۴۲/۵ | ۱۷ | غیرکلامی | |
| ۱۰۰ | ۴۰ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های بهره‌گیری از زبان بدن؛ زبان بدن و غیرکلامی به ترتیب ۵۸٪ و ۴۳٪ است.

۳-۳-۸. شایستگی سخن

جدول ۱۹: شایستگی سخن

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|--------------|-------|
| ۵۲/۷ | ۹۷ | سخن شایسته | مقدار |
| ۴۷ | ۸۷ | سخن ناشایسته | |
| ۱۰۰ | ۱۸۴ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های شایستگی سخن؛ سخن شایسته و سخن نشایسته به ترتیب ۵۳٪ و ۴۷٪ است.

۳-۴. رعایت معیار حق و باطل در کنش ارتباطی

جدول ۲۰: حق و باطل

| درصد | فراوانی | | |
|------|---------|-----------|-------|
| ۱/۵ | ۱۱ | حق و باطل | مقدار |
| ۸۶/۷ | ۶۴۷ | حق | |
| ۱۱/۹ | ۸۹ | باطل | |
| ۱۰۰ | ۷۴۷ | جمع | |

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با توجه به جدول بالا، شاخص‌های حق و باطل در کنش ارتباطی؛ حق ۸۷٪، باطل ۱۲٪ و حق و باطل ۱٪ است و نشان می‌دهد که نسبت به کلمه حق تأکید فراوان شده است.

۴. نتیجه

۴-۱. زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های گفت‌وگو از نگاه نهج‌البلاغه

برای فهم بیشتر گفتگو در نهج‌البلاغه زمینه‌هایی مطرح شده است که به شرح زیر می‌باشند:

۴-۱-۱. پذیرش دو طرف یا چند طرف

یکی از پیش‌فرض‌های ابتدایی گفتگو، پذیرش دو طرف یا چند طرف است که با استفاده از علائم، از جمله کلام به شکل‌های مختلف با یکدیگر تبادل معنا می‌نمایند. این امر مورد پذیرش حضرت علی علیه السلام نیز هست. البته پذیرش طرف مقابل به معنای حقانیت او نیست، بلکه منظور این است که گفتگو وقتی تحقق پیدا می‌کند که هر یک از طرفین، سخن طرف دیگر را بشنود و با یکدیگر به تبادل آرا و عقاید بپردازند. حضرت امیر علیه السلام بیان می‌دارد که آن‌گونه که با جباران سخن می‌گویید با من صحبت نکنید به دلیل اینکه جباران تعامل دوطرفه‌ای نداشته و در مقابل آنان نمی‌توان از آزادی بیان و یا تبادل، حرفی به میان آورد. (خطبه/۲۱۶) "بنابراین، از گفتن سخن حق و یا مشورت عدالت آمیز خودداری

مکنید." (همان) حضرت، در دوره حکومت خود نه تنها آزادی بیان را محدود نکرد، بلکه با صراحت بر گسترش این آزادی تأکید ورزید.

۴-۱-۲. اصل آگاهی و علم

طرفین گفتگو باید با آگاهی و علم، به مذاکره پردازند. کرامت و ارزش آدمی، به علم و دانش است و به واسطه تعلیم اسمای الهی و دریافت تعالیم حق، مسجود ملائکه شد و فرشتگان را به کرنش و تعظیم واداشت (رک بقره/۳۰-۳۴).

با همین نگاه است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس که جمله نمی‌دانم را ترک کند خود را به کشتن خواهد داد» (نهج البلاغه: حکمت ۸۵). و نیز تأکید دارند: «هنگامی که باید سخن گفت، در سکوت خیری نیست، همان‌طور که در با جهل سخن گفتن خیری نیست» (همان: حکمت ۱۸۲). امام علیه السلام در این کلام دو مطلب مهم را تذکر می‌دهند:

الف) پرهیز از کتمان حق: در خصوص کتمان حق و گواهی ندادن، چنین بیان شده است: «اگر دروغ می‌گویی خداوند تو را به بیماری برص دچار کند که عمامه آن را نپوشاند» (همان، حکمت ۳۱۱).

این مورد مربوط می‌شود به انس ابن مالک و کتمان کردن آنچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص طلحه و زبیر اعلام نمودند. بدین خاطر بعد از کتمان انس، امام علیه السلام این مطلب را فرمودند.

ب) پرهیز از قول بدون علم: در نگاه امام علیه السلام سخن بدون علم از گناهان کبیره شمرده می‌شود: «اگر نادان سکوت کند، اختلاف از بین می‌رود» (کراجکی، ۱۴۱۰، ۱/۳۱۹). همچنین می‌فرماید: «آنچه نمی‌دانی مگوی، بلکه همه آنچه را می‌دانی نیز مگو، زیرا خداوند بر اعضاء و جوارح تو واجباتی قرار داده که در قیامت از آن بازخواست خواهد کرد» (نهج البلاغه: حکمت ۳۸۲).

۴-۱-۳. لزوم پذیرش اختلاف اقوام، ملل و زبان‌ها

اختلاف انسان‌ها از نظر زبان، ملیت و غیره نباید مانع گفتگو شود. امام علی علیه السلام نه تنها این اختلاف را پذیرفته است که حتی دعوت به اتحاد و همدلی می‌نماید تا از اختلاف، جلوگیری شود؛ بدین خاطر می‌فرماید:

مبدأ طینت و سرشت مردمان، بین آن‌ها جدایی انداخته است و این برای آن است که آنان قطعه و تکه‌ای بودند از زمین شور و شیرین و خاکِ درشت و نرم. پس آن‌ها به اندازه نزدیکی زمینشان با هم سازگار و نزدیک‌اند و به مقدار اختلاف آن زمین، با هم متفاوتند. بنابراین، گاهی نیکو چهره‌ای کم‌عقل، بلندقامتی کوتاه همت، نیکوکرداری زشت‌منظر، کوتاه‌قامتی ژرف‌نگر، نیک صورتی با سیرت ناخوش، سرگشته دلی پریشان عقل و گشاده‌زبانی گویا با دلی آگاه و بیناست (همان: خطبه ۲۲۵).

امام علیه السلام آشنایی با ساختار فکری و شخصیتی را از اصول مهم به شمار می‌آورند و بر این باورند که سرشت انسان‌ها یا حتی محیطی که در آن زندگی می‌کنند، بر شکل‌دهی رفتار و شخصیت و نیز ساختار فکری و عقلی آنان اثرگذار است. از این رو، نمی‌توان و نباید با مردم نژادها و ملیت‌های مختلف با یک زبان سخن گفت و به یک شیوه استدلال کرد.

۴-۱-۴. امکان حصول تفاهم و وحدت

هرچند انسان‌ها، گوناگون آفریده شده‌اند، با این حال، زمینه‌های فراوانی برای ایجاد تفاهم و همکاری بر اساس اصول مشترک وجود دارد. یکی از پیش‌فرض‌های گفتگو این است که بتوان به وسیله گفتگو به اصول مشترک دست یافت و بر اساس آن با یکدیگر تعاون و همکاری داشت؛ زیرا به فرمایش امام علیه السلام کثرت افراد متفرق، بهره‌ای ندارد (همان: خطبه ۱۱۹) بدین خاطر همکاری بین مسلمانان و اهل کتاب بر اساس اصول مشترک، مورد تأکید نهج البلاغه است: «(زیرا گمراهی با رستگاری هماهنگ نیست، هرچند جمع شوند؛ پس مردم بر تفرقه و جدایی؛ اجتماع کرده و یکی شده‌اند و به اتفاق هم، پراکنده گشته‌اند)» (همان: خطبه ۱۴۷). امام علی علیه السلام نقش وحدت را در پرهیز از جنگ‌های مذهبی به زیبایی به تصویر می‌کشد:

بنگرید آن‌گاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آن‌ها یکی، قلب‌های آن‌ها یکسان، آیا در آن حال مالک سراسر زمین نشدند؟ پس به پایان کار آن‌ها بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند و مهربانی و دوستی از میان آن‌ها رفت و از هم جدا شدند، به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند، خدا لباس کرامت خود را از تن آن‌ها بیرون آورد و نعمت‌های شیرین را از آنان گرفت (همان: خطبه ۱۹۲).

همچنین تأکید می‌کند:

از چنددستگی در دین حذر کنید، که همبستگی و وحدت در راه حق، گرچه کراهت داشته باشید، از پراکندگی در راه باطل، گرچه مورد علاقه شما باشد، بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را به تفرقه عطا نفرموده است (همان: خطبه ۱۷۶).

۴-۱-۵. آزادی فکر و اندیشه و انتخاب راه

یکی از پیش‌فرض‌های گفتگو، قبول آزادی فکر و اندیشه است. هیچ‌یک از طرفین گفتگو نمی‌تواند عقاید و افکار خویش را به دیگری تحمیل کند. نهج البلاغه برای افکار و اندیشه اجتماعی احترام قائل است و به آن توجه دارد: «من برای حکومت پی مردم نرفته، تا آنان به سوی من آیند» (همان: نامه ۵۴) و یا «بیعت شما با من بی مطالعه و ناگهانی نبوده است» (همان: خطبه ۱۳۶). البته این امر، به منزله تأیید افکار و اندیشه عموم و یا محق دانستن آن نیست.

نهج البلاغه در امر خلافت، هم اقبال عامه را مطرح می‌کند و هم علم و آگاهی آنان را؛ یعنی اجبار و فشاری در کار نبود، حيله و تزویری در کار نبود. بلکه جامعه به این رشد و به این نتیجه رسیده است که خلافت به دست علی علیه السلام بیفتد. نکته مهم این است که این‌گونه نیست چون مردم و افکار عمومی خواهان علی علیه السلام شدند پس حقانیت حکومت وی ثابت شد. به عبارت دیگر مشروعیت حکومت علی علیه السلام با رأی مردم ثابت نگردید، چراکه حضرت معتقد است حکومت، حق علی علیه السلام است و آن را مطالبه می‌نماید: «إِنَّمَا طَلَبْتُ حَقَّأَلِي...» (همان: خطبه ۱۷۲). بنابراین برآن تأکید می‌کند که (به خدا سوگند من همواره از حق خویش محروم ماندم و از هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و آله تا امروز حق مرا از من بازداشته و به دیگری اختصاص دادند) (همان: خطبه ۶).

مفهوم روشن این جملات این است که حضرت حکومت را حق خود دانسته و اختصاص آن را به دیگری نوعی غصب می‌دانند، اما برای گرفتن همین حق نیاز به آگاهی اجتماعی و حمایت مردمی است و تا زمانی که اقبال عامه محقق نشد عملاً حق به صاحب حق نخواهد رسید. هنگامی که مردم به رشد رسیدند امام می‌پذیرد. عبارت نهج البلاغه

آگاهی و خواسته مردم و بی‌اعتنایی امام به حکومت و اصرار و پافشاری زیاد مردم استفاده می‌شود:

دست مرا برای بیعت می‌گشودید و من می‌بستم، شما آن را به سوی خود می‌کشیدید و من آن را می‌گرفتم. سپس چونان شتران تشنه که به طرف آب‌شخور هجوم می‌آورند بر من هجوم آوردید، تا آن‌که بند کفشم پاره شد، و عبا از دوشم افتاد، و افراد ناتوان پایمال گردیدند. آن‌چنان مردم در بیعت با من خشنود بودند که خردسالان شادمان، و پیران برای بیعت کردن، لرزان به راه افتادند، و بیماران بر دوش خویشان سوار، و دختران جوان بی‌نقاب به صحنه آمدند (همان: خطبه ۲۲۹).

کمترین بهره‌گیری از این مباحث این است که امام علیه السلام پذیرش حکومتی مبتنی بر زور و فشار و اجبار را نمی‌خواهد گرچه محقق باشد ضمن آنکه آراء و اندیشه اجتماعی را در مباحث کلان نظیر حکومت مؤثر می‌داند.

۴-۲. عوامل برقراری ارتباط گفتاری مؤثر جهت ایجاد کنش ارتباطی

در جریان ارتباط میان فردی، عناصر اخلاقی - رفتاری چندی وجود دارد که موجب تسهیل، استواری و بیشینه کردن تأثیر فرایند ارتباط می‌گردد. مهم‌ترین عناصر یادشده - از نگاه نهج البلاغه - عبارت‌اند از:

۴-۲-۱. ادب و احترام متقابل

رعایت ادب در حفظ احترام مخاطب، اولین شرط برقراری ارتباط مؤثر، مطلوب و باثبات است. حرمت‌شکنی در گام نخست، حالتی روانی را برای مخاطب موجب می‌شود که مانع پذیرش سخنان گوینده و حتی شعله‌ور شدن آتش خشم و تنفر در وی می‌گردد. از این رو حفظ حرمت و ادب، حتی در جایی که طرف مقابل پایبندی به آن ندارد ضرورت دارد؛ حضرت امیر علیه السلام در حکمت ۳۵۳ با تعبیر زیبا فرمودند: «بزرگ‌ترین عیب آن است که چیزی از دیگران را به عیب بگیری که در خود تو موجود است». حضرت با این بیان که عیبجویی از دیگران نوعی بی‌احترامی به شخص است، احترام متقابل را در روابط حسنه متقابل دیدند. بنابراین بدون رعایت ادب و احترام متقابل، گفتگو، نه تنها تأثیر مثبتی ندارد، بلکه غالباً بر مشکلات و تشنها می‌افزاید، و این جاست که دم فرو بستن، بهتر

از بی‌ادبانه سخن گفتن است، چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه ادب از تو رخت بر بست، سکوت پیشه نما» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۹۳).

۴-۲-۲. مثبت‌نگری

در فرایند ارتباط بین‌فردی، معانی مختلفی توسط شنونده، ایجاد یا متحول می‌شوند، چراکه نمادهایی همچون الفاظ به خودی خود، بار معنایی لازم را نمی‌رسانند، بلکه نیازمند تفسیرند و در جریان تفسیر، عواملی چون بافت و شرایط سخن، و گرایش‌ها و فضای ذهنی گوینده، نقش دارند. از این‌رو، در ارتباط طرفینی، همواره یکدیگر را تفسیر می‌کنند (وود، ۱۳۷۹: ۷۴-۷۳). و می‌توانند نگرش‌های مثبت یا منفی و گاه خلاف نظر مقابل، در خود ایجاد نمایند. بدین جهت، در آموزه‌های دینی، ضمن تأکید بر مثبت‌نگری، از انسان خواسته شده، هنگام برقراری ارتباط با برادران دینی خود، همواره بهترین تفسیر را از سخنان آنان، داشته باشند (حجرات/۱۲).

نهج البلاغه نیز توصیه می‌کند که رویدادها از آسانی‌ها و سختی‌ها موقتی است. بدین خاطر آن را سخت نگیرید و با نگاه مثبت بدان بنگرید:

از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید، زیرا عزت و افتخارات دنیا پایان می‌پذیرد، و زینت و نعمت‌هایش نابود می‌گردد، و رنج و سختی آن تمام می‌شود، و هر مدّت و مهلتی در آن به پایان می‌رسد، و هر موجود زنده‌ای به سوی مرگ می‌رود (نهج البلاغه: خطبه ۹۹).

از فرمایشات امام علیه السلام است که «کار برادرت را بر زیباترین شکل بنا بگذار... و هرگز نسبت به سخن برادرت گمان بد مبر، در حالیکه می‌توان توجیه نیکی برای آن یافت» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۶۲). نیز قرآن کریم، با انتقاد از منفی‌نگری (ر.ک: نور/۱۱ و ۱۲؛ بقره/۳۰ و ۳۳) و نهی از آن (ر.ک: حجرات/۱۲)، سیره پیامبران الهی را به تصویر می‌کشد که با مثبت‌نگری، نقاط قوت اقوام خود را یادآور می‌شدند (ر.ک: هود/۷۸ و ۸۴؛ یوسف/۹۰ و ۱۰۰) و از این شیوه برای نفوذ در آنان و برقرار ساختن ارتباطی مؤثر، سود می‌جستند.

۴-۲-۳. اعتماد آفرینی

از عوامل مهم برقراری ارتباط مؤثر و نفوذ در مخاطب، کسب اعتماد او به گفتار و انگیزه گوینده است. یعنی میان افزایش عناصر اعتماد آفرین با بیشینه سازی پذیرش مخاطب، رابطه مستقیمی وجود دارد. امام علیه السلام می فرماید: «با مردم آن چنان رفتار کنید که اگر با آن روش، جان دادید برای شما گریه کنند و اگر زنده ماندید با آغوش باز و شوق فراوان به سوی شما بشتابند» (نهج البلاغه: حکمت ۱۰).

۴-۳. برای اعتماد آفرینی در ارتباطات گفتاری

۴-۳-۱. راستگویی

صداقت هر انسان باید برای شنونده، از روی قرائن یا شناخت قلبی، کاملاً محسوس و ملموس باشد زیرا هیچگونه اعتمادی به دروغگو نیست. امام علیه السلام در نهج البلاغه برای اینکه راستگویی برجسته شود الگوشدن را مطرح می نماید:

ای مردم! به خدا سوگند من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی کنم، مگر این که پیش از شما خود به آن عمل می کنم؛ و شما را از معصیتی نهی نمی کنم، مگر این که خودم پیش از شما از آن دوری می نمایم (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۵).

همچنین حضرت می فرماید: «آن کس که نهان و آشکار و کردار و گفتارش دوگونه و ناهماهنگ نباشد امانت الهی را ادا کرده و عبادت خدا را خالصانه انجام داده است» (نهج البلاغه: نامه ۲۶).

۴-۳-۲. پرهیز از خودمحوری

غرور و خودبرتربینی در گفتگو و بی توجهی به دیدگاه طرف مقابل، موجب سلب اعتماد وی می شود: «هر کس خودرأی شد به هلاکت رسید، و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل های آنان شریک شد» (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۱).

جایگاه ارزشمند خواست و نظر مردم و احترامی که امام علی علیه السلام به رأی و اراده اکثریت مردم قائل بود به دوره بیست و پنج ساله خانه نشینی ایشان منجر شد و این مسئله در زمان انتخاب به رهبری و امامت نیز کاملاً آشکار گردید. به اعتقاد حضرت علی علیه السلام یکی از

نهج البلاغه و کنش ارتباطی زمینه‌ساز ... - حبیب‌الله حلیمی جلودار (۴۱-۱۲) / ۳۳

معیارهای مهم در ارزشیابی مدیران و مسئولان، نظرخواهی از مردم و افراد تحت مدیریت آنان و خودداری از خودمحوری است. در واقع نوع قضاوت مردم و مسئولین، نشان دهنده نوع عملکرد و میزان توفیق یا عدم توفیق کارگزاران در اداره امور و سیر به سوی اهداف تعیین شده است (محسنی و جاودانی مقدم، ۱۳۹۸: ۴۰-۳۹).

۴-۳-۳. همنوایی (همزبانی)

تردیدی نیست که در فرایند گفتگو و ارتباط بین فردی، غالباً اختلاف نظرهایی برخاسته از تفاوت دیدگاه‌ها، اعتقادات و سلايق وجود دارد. از سویی، برخورد با باورهای اشخاص، برخورد با حقیقت آنهاست، و انگیزه و نظر ما، هرچند خیرخواهانه و به حق باشد، آنگاه که برای بیان اشتباه دیگران به کار می‌رود، روند ارتباط را به مخاطره می‌افکند. محتمل‌ترین واکنش مخاطب در این گونه شرایط، گرفتن حالت تدافعی است. از این رو، بهترین شیوه در این حال، استفاده از روش همگام شدن است (ریچاردسون، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۸).

امام علی علیه السلام در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه به زیبایی، همنوایی و همزبانی رعیت با والی و نیز همزبانی مردم نسبت به هم را ترسیم می‌نماید:

عظیم‌ترین چیزی را که از این حقوق خداوند واجب فرمود، حق والی است بر رعیت (حق حاکم بر اُمت) و همچنین حق رعیت است بر والی. این دو حق از اعظم حقوق هستند. این حقوق فریضه و واجب است؛ حقوقی نیست که انسان از زیر بار آن بتواند شانه خالی کند. خداوند این حقوق را بر همه افراد نسبت به هم واجب فرموده است.

۴-۳-۴. اولویت‌شناسی

تشخیص یا دگرگون‌سازی موضوع بحث و گونه بیان آن به فراخور زمینه‌ها و شرایط از دیگر عناصر ایجاد و تداوم ارتباط گفتاری مؤثر است. گوینده باید موضوعاتی را انتخاب و به گونه‌ای مطرح نماید که مفید و متناسب با فضای گفتگو باشد.

در سیره امام علی علیه السلام به موارد متعددی برمی‌خوریم که آن حضرت در مواقع حساس و درباره مسائل مهمی همچون خلافت با توجه به مقتضیات زمان و اولویت‌ها، اقدامات مهم و سرنوشت‌ساز انجام داده‌اند. پس از ماجرای سقیفه که امام از صحنه خلافت دور ماندند،

مشکلاتی برای جامعه اسلامی پیش آمد؛ مانند ظهور پیامبران دروغین و ارتداد برخی از قبایل عرب و تشکیل نیروی نظامی برای حمله به مدینه، و...؛ امام گرچه خود را مظلوم می‌دانست، اما اوضاع و شرایط حاکم را برای پیگیری مسأله خلافت مناسب ندید و از تعقیب آن صرف نظر کرد و در رفع غائله موجود با حکومت وقت، همکاری نمود؛ چنانکه خود آن حضرت با اشاره به خلافت ابوبکر و اوضاع آن روز می‌فرماید:

(وقتی که چنین وضعی پیش آمد) دست نگاه داشتم تا این که با چشم خود دیدم گروهی از اسلام بازگشته و می‌خواهند دین محمد ﷺ را نابود سازند. (در اینجا بود که ترسیدم اگر اسلام و اهلش را یاری نکنم، باید شاهد نابودی و شکاف در اسلام باشم که مصیبت آن برای من از محروم شدن از خلافت و حکومت بر شما بزرگتر بود، چراکه این، بهره دوران چند روزه دنیا است که زایل و تمام می‌شود، همان طور که «سراب» تمام می‌شود و یا ابرها از هم می‌پاشند. پس در این پیشآمدها به پا خاستم تا باطل از میان رفت و نابود شد و دین پابرجا و محکم گردید. (نهج البلاغه: نامه ۶۲)

۴-۳-۵. توجه به سطح فهم و نیاز مخاطب (در سطح دیگران ظاهر شدن)

توجه به سطح درک و فهم مخاطب، و نیز نیازها، علایق و گرایش‌های وی، در واقع یکی از معیارهای گزینش موضوع گفتگو است. گوینده باید با در نظر گرفتن سن، پایگاه اجتماعی و سطح خرد و دانش مخاطب، آن‌سان سخن گوید که قابل فهم و درک باشد و هم با ایجاد هم‌سطحی و هم‌سانی بین خود و مخاطب و در سطح او ظاهر شدن، موجب تأثیرگذاری در وی، و کسب حمایت و همکاری او گردد. از این رو، پیام‌آوران الهی، در وهله نخست، به «زبان» فرهنگ و عرف مقبول جامعه خویش سخن می‌گفتند (ابراهیم/۴).

علاوه بر آن، سطح درک و خرد مخاطبان را در نظر داشته و در ارتباطات گفتاری، در سطح آنان ظاهر می‌شدند، آن‌گونه که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هیچ‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله متناسب با خرد والای خویش با مردم سخن نگفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله خود فرموده است: «ما پیامبران، مأموریم تا با مردمان به اندازه درک و عقلشان سخن گوئیم» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۳/۱). نیک روشن است که پایین‌تر از سطح مخاطب ظاهر شدن نیز، ممکن است ضعف و کاستی گوینده را در ذهن مخاطب تداعی کند و از تأثیر سخن او بکاهد.

هنگامی که در مورد قضا و قدر از امام علیه السلام سؤال شد، ایشان پاسخ دادند: «طَرِيقٌ مُّظْلَمٌ فَلَا تَسْلُكُوهُ، وَ بَحْرٌ عَمِيقٌ فَلَا تَلْجُوهُ، وَ سِرٌّ لِلَّهِ فَلَا تَتَكَلَّفُوهُ» (نهج البلاغه: حکمت ۲۷۹)؛ «یعنی، راهی است تاریک، آن را نپیمایید؛ دریایی است ژرف، وارد آن نشوید و رازی است خدایی، خود را به زحمت نیندازید». چنانچه کاملاً پیداست این عبارت، جواب سؤال مخاطب نیست، ولی به نوعی بیان شده که مخاطب را قانع می‌کند و از ادامه دادن سؤال باز می‌دارد. سبب این نوع پاسخ آن است که متکلم، میزان دانش و آگاهی مخاطب را برای درک مفهوم قضا و قدر کافی نمی‌داند. از این رو، آنان را از وارد شدن در این مسیر بر حذر می‌دارد و در عین حال، به آنان پاسخی می‌دهد که موجب قانع شدن و سکوت مخاطب می‌شود. همچنین هنگامی که از ایشان درباره مسافت میان مشرق و مغرب پرسیده شد، فرمودند: «مَسِيرَةٌ يَوْمٍ لِلشَّمْسِ» (همان: حکمت ۲۸۶)؛ «یعنی، اندازه سیر یک روز خورشید» امام با علم خویش می‌توانستند به این سؤال به صورت علمی پاسخ گویند، ولی از این کار اجتناب کرده، پاسخی را انتخاب کردند که در عین حال که موجب اقناع مخاطب شود، از سردرگمی وی نیز جلوگیری کند.

توجه به عنصر یادشده، به ویژه در گفتگو با کودکان، ضرورتی دو چندان دارد. درک محدود و روح لطیف آنان، نیازمند گشودن زبان کودکانه و رعایت ظرافت‌های برخورد با آنان است. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هرکس کودکی نزد اوست، باید که برایش کودکی کند.» (صدوق، ۱۴۱۳، ۳: ۴۸۳-۴۸۴).

۴-۳-۶. هنر خوب گوش دادن

بر اساس پاره‌ای تحقیقات، به طور میانگین ۴۵ درصد از وقت ارتباط، صرف شنیدن می‌شود. (هارجی، ۱۳۷۷: ۲۱۵) ولی اندکی از انسان‌ها، شنوندگان خوبی هستند. چه میان «شنیدن» و «گوش دادن» تفاوت است: «شنیدن» برای توصیف آن بخش از فرایندهای حسی به کار می‌رود که از مسیر آن، تحریک‌های شنیداری توسط ساختار گوش دریافت شده و به مغز منتقل می‌شود، ولی «گوش دادن» فرایندی پیچیده و فعال است که شامل عناصر: توجه (به سخنان گوینده بدون درگیر شدن با افکار، احساسات و داوری‌های خود)،

شنیدن، انتخاب و سازمان‌دهی اطلاعات، تفسیر (در نظر گرفتن دیدگاه گوینده)، پاسخ‌دهی (با علائم بدنی چون نگاه و تأیید و...) و به خاطر سپردن اطلاعات می‌شود (وود، ۱۳۷۹: ۳۴۸ و ۳۶۲؛ بولتون، ۱۳۸۱: ۶۱).

مسلماً گوش دادن، نیازمند تلاش و تمرین است و عواملی چون: حضور روان‌شناختی مخاطب و توجه او به گوینده، فهم مقصود گوینده، تمرکز حواس و حذف اشتغالات ذهنی، حالت مناسب فیزیکی و تماس چشمی، در آن نقش دارند. با توجه به اهمیت گوش دادن و نقش آن در اثربطایات است که قرآن کریم پیامبر اکرم ﷺ را، به خاطر خوب گوش دادن توأم با احترام و خوش بینی، می‌ستاید: «و مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ» (توبه/۶۱) هرچند پیام اصلی این آیه، بیان لطف و محبت رسول خدا ﷺ در گوش فرا دادن به سخنان مردم و تأیید ظاهری آن‌هاست. (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۹ و ۳۱۴ و ۳۱۵) اما این نکته نیز به خوبی برمی‌آید که توجه کامل به سخنان گوینده، از آداب گوش دادن است، هرچند تصدیق عملی و ترتیب اثر دادن، مخصوص گفتار مؤمنان است که قابل اعتماد باشد.

حضرت علیؑ در کلامی جامع که در وصف یکی از یارانش [ابوذر یا مقداد] بیان داشتند در جمله‌ای می‌فرمایند: «جان علی ما یسمع أحرص منه علی أن یتکلم (نهج البلاغه: حکمت ۲۸۹)، برای شنیدن، مشتاقتر از سخن گفتن بود».

۴-۳-۷. بهره‌گیری از زبان بدن

بر اساس پاره‌ای بررسی‌ها، بیش از نیمی از مکالمات انسان‌ها، غیرکلامی هستند و «زبان تن» پیش از آنکه سخن بگوییم، احساسات و نگرش‌های ما را مخابره می‌کند (گابور، ۱۳۸۱: ۱۳). حالت چهره، تماس چشمی، طرز صدا و ژست بدنی، هر کدام پیامی را تداعی می‌کنند و در این میان، حالات چهره، از سایر شاخص‌ها مؤثرتر است (ریچاردسون، ۱۳۸۱: ۳۲؛ هارجی، ۱۳۷۷: ۶۳). امامؑ حالات چهره را، راهی برای درون‌کاوی افراد می‌شمارند: «هیچ کس چیزی را در دل نهان نکرد، جز که در

نهج البلاغه و کنش ارتباطی زمینه‌ساز ... - حبیب‌الله حلیمی جلودار (۴۱-۱۲) / ۳۷

سخنان بی‌اندیشه‌اش آشکار گشت و در صفحه رخسارش پدیدار» (نهج‌ابلاغه: حکمت ۲۶) قرآن کریم نیز، در مواردی، به این نکته اشاره فرمود، از جمله، در مورد تهیدستان خویشتن‌دار می‌فرماید: «تعرفهم بسیماهم» (بقره/۲۷۳) و درباره منافقان: «وَلْتَعْرِفَهُمْ فِي لَحَنِ النَّاسِ» (محمد/۳۰؛ نیز ر.ک: رحمن/۴۱؛ مطففین/۲۴؛ عبس/۲۰).

اهمیت توجه به «زبان بدن» تا بدانجاست که هرگاه بین حالات چهره و سخن شخص، ناسازی وجود داشته باشد، حالات چهره و رفتار غیرکلامی، به مراتب مهم‌تر و معتبرتر از سخنانش است، به‌ویژه اینکه کنترل گفتار، بسی آسان‌تر از کنترل چهره است (ریچاردسون، ۱۳۸۱: ۳۲؛ هارجی، ۱۳۷۷: ۶۴). در همین رابطه است کلام امام علیه السلام در حکمت ۷۱: «إِذَا تَمَّ الْعُقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ» (تمیمی‌آمدی، بی‌تا: ۱۵۳)؛ چون عقل کامل گردد، سخن اندک شود». این‌گونه تعبیر نمودند که زبان حال، راستگوتر از زبان گفتار است!

۴-۳-۸. شایستگی سخن

شایستگی چندوچون سخن و در نظر داشتن معیارهای سخن شایسته، از مهم‌ترین عوامل برقراری ارتباط مؤثر است. علی علیه السلام نیز در کتاب‌ها و منابع مختلف از شایسته و زیبا سخن گفتن، صحبت می‌نمایند تا نتیجه آن بازخورد نیکو و مناسب از گیرنده سخن باشد: «از به زبان آوردن سخنان زشت بر حذر باش، زیرا فرومایگان را گرد تو جمع می‌کند و گرانمایگان را از تو فراری می‌دهد» (غررالحکم، درایتی، ۱۳۶۶: ۲۷۲).

امام علیه السلام در نهج البلاغه تأکید دارند که سخن ناشایست و ناآگاهانه خیری ندارد» (نهج‌البلاغه: حکمت ۱۸۲).

۴-۴. رعایت معیار حق و باطل در کنش ارتباطی

حق و کلام حق و باطل و کلام باطل بحث بسیار مهمی در کنش و مشارکت سیاسی است و نهج‌البلاغه هم بدان پرداخته است. از این‌رو، با تعریف حق و باطل به معیارهای آن از نگاه نهج‌البلاغه اشاره می‌شود:

۴-۴-۱. معنای حق و باطل

برای حق در لغت گفته‌اند: اصل حق به معنای مطابقت و موافقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۹). در جای دیگر گفتند: «باطل چیزی است که در مقام فحص ثبات ندارد و در فعل و قول هر دو به کار می‌رود» (همان، ص ۶۸). «حق» یعنی ضد «باطل» (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۳۲) باطل مقابل حق است و آن را فاسد و بی‌اثر و ضایع می‌سازد (شرتونی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۸۸).

۴-۴-۲. معیارهای شناخت حق و باطل از نگاه نهج البلاغه

انسان ابتدا باید حق و باطل را بشناسد تا بتواند اهل حق و باطل را بشناسد. امام علی علیه السلام به فردی که در انتخاب جانب علی علیه السلام و طرف مقابل آن حضرت در جنگ جمل متحیر مانده بود، فرمود: «تو حق را نشناختی تا آن کس که حق را برگرفته‌ای، بشناسی و باطل را نشناخته‌ای تا طرفدار آن را بشناسی» (نهج البلاغه: حکمت ۲۶۲).

امام علیه السلام در بسیاری از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، معیارهایی برای شناخت حق و باطل ارائه فرمودند که برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) راه مستقیم:

راه مستقیم همان راهی است که برای سعادت انسان ترسیم شده است و خداوند بدان راه هدایت کرده است. امام علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «انحراف به راست و چپ سبب گمراهی و ضلالت (باطل) است و راه میانه و مستقیم، جاده وسیع حق است» (همان، خطبه ۱۶).

ب) اسلام

امام علیه السلام در خطبه ۱۹۸، اسلام را مبسوط تشریح می‌نمایند که: «اسلام آیینی است که خداوند برای خویشتن انتخاب نموده است. اسلام دارای ستون‌هایی است که خداوند آن‌ها را در اعماق حق استوار ساخته و بنیان آن را ثابت و استوار گردانیده است و...».

ج) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

امام علیه السلام درباره رسول خدا تأکید دارند که «خداوند یکتا، بنده و پیامبر خویش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را هنگامی فرستاد که نشانه‌های هدایت به کهنگی گرائیده و جاده‌های دین محو و

نهج البلاغه و کنش ارتباطی زمینه‌ساز ... - حبیب‌الله حلیمی جلودار (۴۱-۱۲) / ۳۹

نابود شده بود. پیامبر ﷺ حق را آشکار ساخت و مردم را نصیحت نمود و آن‌ها را به سوی کمال هدایت کرد و به میانه‌روی و عدالت فرمان داد» (همان: خطبه ۱۹۵).

د) قرآن کریم

امام علی ﷺ در خطبه ۱۳۳ نهج البلاغه تأکید دارند که «قرآن سخنگویی است که هرگز زبانش از حق‌گویی خسته نمی‌شود و خانه‌ای است که پایه‌هایش هرگز فرو نمی‌ریزد و قدرتی است که هیچ‌گاه یارانش شکست نمی‌خورند».

ه) اهل بیت ﷺ

امام علی ﷺ در خطبه ۸۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «کجا می‌روید و روبه کدام طرف می‌کنید؟ در حالی که پرچم‌های حق برپاست، نشانه‌های آن آشکار است و چراغ‌های هدایت نصب شده است. شما را به کدام وادی گمراهی می‌برند و چگونه سرگردان می‌شوید در حالی که عترت پیامبرتان در میان شما هستند».

و) علی بن ابی‌طالب ﷺ

امام ﷺ می‌فرماید: «من به پروردگار خویش یقین دارم و در دین و آیین خود گرفتار شک و تردید نیستم» (همان: خطبه ۲۲). یا فرموده است: «من از زمانی که حق را یافته‌ام، در آن تردید نکرده‌ام» (همان: خطبه ۴).

به‌طور کلی در این پژوهش حاضر تلاشی صورت گرفت تا با واکاوی مفاهیم نهج البلاغه، پیرامون منظر موجود در این مجموعه، درباره شرایط گفتگوی مطلوب که زمینه‌ای را برای تحقق مشارکت سیاسی فراهم آورد، تبیینی را رقم زده شود. در همین راستا بررسی‌ها در قالب روش تحلیل محتوا انجام گرفت و تأکید نویسنده نیز بر نظریه کنش ارتباطی به‌عنوان یک مبنای نظری بود. بررسی‌های انجام شده نشان داد در نهج البلاغه با متذکر شدن موارد ذیل، زمینه به‌طور کلی برای تحقق گفتگوی مطلوبی که در تحقق مشارکت سیاسی مؤثر و کارآمدی ایجاد می‌کند، فراهم آمده است و این موارد در چارچوب زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های گفتگو از منظر امام علی ﷺ قابل پیگیری هستند: پذیرش دو طرف یا چند طرف؛ اصل آگاهی و علم؛ لزوم پذیرش اختلاف اقوام و ملل و زبان‌ها؛ امکان حصول تفاهم و وحدت و آزادی فکر و اندیشه، انتخاب راه و رعایت معیار حق و باطل در کنش ارتباطی. همچنین و به همین

سیاق، فحوای مفاهیم موجود در نهج البلاغه متضمن اعتمادآفرینی و شایستگی سخن به عنوان مهم ترین عناصر و عوامل برقراری ارتباط نیز هستند که به طور عمده موجب شکل گیری یک کنش ارتباطی و عقلانی می گردند.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.
نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی.
ابن سعد، محمد (بی تا). الطبقات الكبرى. بیروت، دارصادر.
انصاری، مرتضی (۱۳۷۴). مکاسب. قم، انتشارات دهقانی.
ایروانی، جواد. (۱۳۸۶). آداب گفتگو از دیدگاه قرآن و حدیث. الهیات و حقوق، ۷(۲۵)، ۳-۳۴.
بشیری، حسین (۱۳۹۴). عقل در سیاست. تهران، انتشارات نگاه معاصر.
بولتون، رابرت (۱۳۸۱). روان شناسی روابط انسانی. (حمیدرضا سهرابی، مترجم). تهران، انتشارات رشد.
بیهقی، احمدبن حسین (بی تا). السنن الكبرى. بیروت، دارالفکر.
تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (بی تا). غررالحکم و دررالكلم. قم، انصاریان.
حرّعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
درایتی، مصطفی (۱۳۶۶). ترجمه تصنیف غررالحکم و دررالكلم. قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
ریچاردسون، جری (۱۳۸۱). معجزة ارتباط و ان. ال. پی، (مهدی قراچه داغی، مترجم)، تهران، پیکان.
شرتونی، سعید (۱۴۱۶ق). اقرب الموارد. قم، دارالاسوه.
صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۳۶۲)، الامالی. کتابخانه اسلامیه.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۷). المیزان فی تفسیرالقرآن. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
علیپوریانی، طهماسب، سارا زارع (۱۳۹۹)، مشارکت به مثابه سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه. پژوهش های نهج البلاغه، ۱۹(۶۶)، ۱۹۷-۲۲۱.
فولادی، محمد (۱۳۹۴). مشارکت سیاسی؛ جلوه ها و آثار، معرفت، ۲۴(۵)، ص ۱۳۲-۱۲۱.
فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۷ق). المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفترانتشارات اسلامی.
کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۵) الکافی. تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نهج البلاغه و کنش ارتباطی زمینه‌ساز ... - حبیب‌الله حلیمی جلودار (۴۱-۱۲) / ۴۱

- کراچکی، محمدبن‌علی (۱۴۱۰ ق). کنز الفوائد. (عبدالله نعمه، مترجم). قم، دارالذخائر.
- گابور، دون (۱۳۸۱ ش). مهارت‌های گفتگو. (مهدی قراچه‌داغی مترجم). تهران، پیک بهار.
- محسنی، علی، و جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۳۹۸). بررسی مبانی و الزامات آزادی سیاسی در اندیشه و سیره امام علی علیه السلام، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۱۸ (۶۰)، ۳۹-۴۰.
- مرتضی‌زبیدی، محمدبن محمد، (۱۴۱۴ ق). تاج العروس. بیروت: دارالفکر.
- مهدوی، محمدصادق، و مبارکی، محمد (۱۳۸۹). تحلیل نظریه کنش ارتباطی هابرماس. علوم اجتماعی، (۸)، ۱-۲۱.
- وود، جولیان (۱۳۷۹). ارتباطات میان‌فردی روان‌شناسی تعامل اجتماعی. (مهرداد فیروزبخت مترجم). تهران، مهتاب.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). نظریه کنش ارتباطی. (کمال پولادی، مترجم). تهران، مرکز.
- هارجی، اون‌وکریستین ساندرز و دیویددیکسون (۱۳۷۷). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی. (خشاریار بیگی و مهرداد فیروزبخت، مترجمان). تهران، انتشارات رشد.
- Foo, Katherine (2018). Examining the Role of NGOs in urban environmental governance. *Cities*, 77: 67-72.
- Grbesa, Marijana (2004). Why if at all is the Public Sphere a Useful Concept? *Croatian Political Science Review*, 40(5): 110-121.